



سیمای امنیت در نهج البلاغه*

تاریخ دریافت: ۸۵/۴/۲۷

تاریخ تأیید: ۸۵/۵/۲۱

علی اکبری معلم**

مطالب کتاب در دو بخش کلیات و ابعاد امنیت سازمان دهی شد. مباحث بخش اول در سه فصل ارزش امنیت در اسلام، جایگاه امنیت در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام و مفهوم امنیت ترتیب یافت و بحث‌های بخش دوم در شش فصل امنیت فردی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، مرزی و صلح و امنیت جهانی مورد توجه مؤلف قرار گرفت.

از مفروضات کتاب این است که نهج البلاغه پس از قرآن کریم از مهم‌ترین منابع اسلامی به شمار می‌رود و در بردارنده اندیشه امام علی علیه السلام است. نهج البلاغه در خصوص امنیت و شقوق آن، دارای مطالب ارزش مندی است، با توجه به این که کار مستقلی در این زمینه تاکنون صورت نگرفته است، مؤلف می‌کوشد تا بحث امنیت و ابعاد آن را از نگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه پی‌گیری نماید.

بخش اول؛ کلیات

فصل اول؛ ارزش امنیت در اسلام

نویسنده در فصل اول (ارزش امنیت در اسلام)، اهمیت امنیت را در نزد اندیشوران و در اسلام بیان

* منصور طبیعی، سیمای امنیت در نهج البلاغه (تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، چاپ اول، ۱۳۷۹) ۱۸۸ صفحه، قطع رقعی.

** دانش آموخته حوزه علمیه قم و استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.



نموده سپس جایگاه آن را در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام توضیح می‌دهد. وی مفهوم امنیت در اسلام را از کتاب **فقه سیاسی** آقای عمید زنجانی با نگاهی به برخی از آیات قرآن بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد که تأمین و تضمین امنیت فردی و اجتماعی در اسلام حائز اهمیت است. وی در پایان فصل اول، امنیت را حالتی جمعی می‌داند که از راه تشریک مساعی افراد جامعه با یک دیگر و با اجزا و عناصر تشکیل دهنده دولت صورت می‌گیرد و علاوه بر بعد فردی، دارای حالت‌های درونی و بیرونی، یعنی امنیت بین‌المللی نیز می‌باشد.

فصل دوم؛ جایگاه امنیت در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام

مؤلف در این فصل با استناد به کتاب **زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن** از محمد مسجد جامعی، نخست به تفاوت اندیشه سیاسی شیعیان و اهل سنت در تقدم و تأخر امنیت و عدالت اشاره می‌کند؛ این که شیعیان عدالت را مقدم بر امنیت می‌دانند؛ چون عموماً قدرت را در اختیار داشتند. وی در دو صفحه پایانی به تحلیل این تفاوت می‌پردازد و معتقد است که دیدگاه امام علی علیه السلام با مطلب مذکور موافق است. ضمن آن که امنیتی که امام علی علیه السلام به دنبال برقراری آن بود با امنیت ایجاد شده توسط سه خلیفه پیش از او متفاوت بوده است. امنیت در اندیشه حضرت، علاوه بر همه جانبه بودن، مقدمه برقراری عدالت و آزادی در جامعه است. البته عملکرد گروه‌های مخالف حضرت باعث شده که امنیت در حکومت امام علی علیه السلام در اولویت قرار گیرد.

فصل سوم؛ مفهوم امنیت

مؤلف در این فصل پس از بیان این که امنیت یک نیاز عمومی و از تمایلات انسانی است، به تعریف امنیت می‌پردازد. وی می‌نویسد، امنیت، یعنی این که افراد از هرگونه تجاوز و تعرضی نظیر قتل، ضرب و جرح، حبس، شکنجه‌های روحی و جسمی و سایر مجازات‌های غیر قانونی و به تعبیر دیگر هر عملی که منافی شئون و حیثیت انسانی اوست، نظیر فحشا، بهره‌کشی و غیره که براساس موازین منطقی و قانونی نباشد، در امان بماند. ایشان سپس به اهمیت امنیت در نزد مردم، اندیشوران غربی و امام علی علیه السلام می‌پردازد. وی به خطبه‌ای از نهج البلاغه استناد می‌کند و نتیجه می‌گیرد که به نظر امام علی علیه السلام علت نیازمندی انسان به اجتماع و تعاون به خاطر سه مسئله (نیاز انسان به دفاع از خویش، به محبت و عدم توانایی در برآوردن نیازهای زندگی) است. این مسائل به شکل دیگری بیان نیازمندی انسان به امنیت است.

بخش دوم؛ ابعاد امنیت

پیش از شروع شش فصل مربوط به این بخش، مؤلف طی مقدمه‌ای دوباره به اهمیت امنیت اشاره

می‌کند و می‌نویسد که در اندیشه امام علی علیه السلام از مهم‌ترین وظایف حکومت برقراری امنیت در همه وجوه آن است. امام علی علیه السلام تشکیل حکومت را از امور ضروری بشر می‌داند و حکومت جائز را بر بی قانونی بودن مقدم می‌دارد. مؤلف در فصول بعدی به بررسی ابعاد گوناگون امنیت از دیدگاه امام علی علیه السلام می‌پردازد.

فصل اول؛ امنیت فردی

مؤلف در ابتدای این فصل به تعریف امنیت فردی می‌پردازد و معتقد است، امنیت فردی، یعنی شرایطی که حیات و زندگی، حیثیت و آبروی افراد و آزادی اشخاص مورد تعرض هیچ فرد یا مقامی قرار نگیرد. به ویژه امنیت جانی حائز اهمیت بیشتری است. البته از نگاه امام علی علیه السلام نه تنها جان اشخاص جامعه باید تأمین شود، بلکه لازم است حیثیت و آبروی افراد نیز از امنیت کافی برخوردار باشد. وی با استناد به شش فقره از نهج البلاغه، امنیت فردی را از دیدگاه امام علی علیه السلام توضیح می‌دهد.

فصل دوم؛ امنیت سیاسی

نویسنده در ابتدای این فصل که طولانی‌ترین فصل کتاب است، به تعریف امنیت سیاسی می‌پردازد. وی معتقد است امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که مردم در آن آزادند مواضع سیاسی و عقاید سیاسی خود را در چهار چوب قوانین موجود بدون ترس و وحشت بیان کنند؛ اگرچه مخالف دولت باشد. بنابراین، امنیت سیاسی در حکومت‌های خودکامه و مستبد ایجاد نخواهد شد. در واقع بین امنیت سیاسی و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی رابطه معکوس وجود دارد. از این جهت مؤلف در این فصل به بررسی سیاست و انواع آن و نگاه امام علی علیه السلام به حکومت‌های خودکامه می‌پردازد.

نویسنده پس از اشاره به مفهوم سیاست از دیدگاه اندیشوران غربی و در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام، دیدگاه امام علی علیه السلام را دربارهٔ سیاست توضیح می‌دهد. برای تبیین مفهوم سیاست در اندیشهٔ امام علی علیه السلام به تشریح دولت و حکومت در کلام حضرت می‌پردازد. به نظر امام علی علیه السلام دولت به معنای نهاد دارنده قدرت سیاسی و حکومت، نهادی است که حق استفاده از قدرت و اقتدار و توانایی مذکور را دارد.

مؤلف سپس به امنیت سیاسی و بیعت می‌پردازد. وی معتقد است روش به قدرت رسیدن حاکم (وراثت، وصایت، خلافت، زور و یا با انتخاب آزادانه مردم) از متغیرهای میزان وجود امنیت سیاسی در جامعه است، چرا که موجب تأثیر در بینش و رفتار سیاسی او و در برخورد با مخالفان می‌گردد. از شیوه‌های روی کار آمدن حاکم، بیعت است که از دیدگاه امام علی علیه السلام نشان اقبال عمومی جامعه به



دولت است. مؤلف با اشاره به بخش‌هایی از کلام امام علی علیه السلام تلاش دارد توضیح دهد که دولت دارای دو شرط لازم مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی است.

وی سپس به تبیین معنای لغوی و اصطلاحی بیعت، سیر تاریخی اصل بیعت، مفهوم بیعت در اندیشه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و حقوق امام بر مردم می‌پردازد و پس از آن، شرایط تحقق بیعت را از نظر امام علی علیه السلام توضیح می‌دهد. نبودن تهدید و تطمیع و وجود زمان کافی برای تصمیم‌گیری بیعت‌کنندگان از شرایط تحقق بیعت از دیدگاه امام علی علیه السلام به شمار می‌رود.

مؤلف، شکل رژیم سیاسی و نحوه توزیع قدرت را در امنیت سیاسی جامعه مؤثر می‌داند؛ یعنی رژیم‌های مردمی از امنیت سیاسی بالا و رژیم‌های استبدادی از امنیت سیاسی کمی برخوردارند. به همین مناسبت به بیان مفهوم استبداد، خاستگاه و پی‌آمدهای آن از نگاه امام علی علیه السلام می‌پردازد. چرا که معتقد است استبداد از عوامل مهم در از بین بردن امنیت سیاسی جامعه است. وی مدعی است که ثروت و قدرت سیاسی دو خاستگاه اصلی استبداد در جامعه از دیدگاه امام علی علیه السلام می‌باشند، چرا که آن دو موجب فزون‌طلبی و تکبر شده و در نهایت منجر به استبداد می‌شود.

مؤلف، ظهور خشونت (تعارض فقرا با ثروت‌مندان و زمامداران با مخالفان طالب قدرت)، رکود فکری (چون مطلق‌اندیشی در نظام استبدادی با اصل آزادی بیان و عقیده تباین دارد)، زمینه گسترش فساد و ناپایداری حاکمیت (چون سنت الهی سقوط حاکمان مستبد است) را به منزله چهار پی‌آمد مهم استبداد از دیدگاه امام علی علیه السلام بر می‌شمارد که موجب بروز ناامنی در جامعه و زوال امنیت سیاسی می‌شوند. مثلاً هرچه جامعه از خشونت کمتری برخوردار باشد، امنیت سیاسی آن جامعه بیشتر است. پس استبداد منجر به خشونت و خشونت نیز مانع تعادل و امنیت سیاسی در جامعه می‌شود. به نظر امام علی علیه السلام استبداد به انحصارطلبی می‌انجامد که موجب قیام مردم علیه حکومت می‌شود؛ مثل قیام مردم علیه خلیفه سوم. البته از نگاه امام علی علیه السلام بین خشونت و قاطعیت تفاوت وجود دارد.

مؤلف نتیجه‌گیری می‌کند که ترک استبداد، مهم‌ترین عامل برقراری امنیت سیاسی است. وی با استناد به سخنان امام علی علیه السلام، ترک استبداد را توسط حکومت در رأس حقوق سیاسی مردم معرفی می‌کند. ایشان پس از بیان حقوق متقابل مردم و حکومت نسبت به یک دیگر در اندیشه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و توضیح مفهوم امام، والی و رعیت می‌نویسد: حق و تکلیف، لازم و ملزوم یک دیگرند؛ یعنی هر جا حقی به رسمیت شناخته شود، وظیفه و تکلیفی نیز ظاهر می‌شود. وی با استناد به کلمات امام علی علیه السلام، ویژگی‌های مهم رعایت حقوق متقابل والی و رعیت را در افزایش الفت و مهربانی در بین آنها، مایه عزت و سربلندی دین و مسلمانان، عمل به دین بر پایه راه و روش دین، حذف جور و

ستم، جریان پیدا کردن آداب و سنن از مسیر خود و ازدیاد امیدواری به بقای حکومت می‌داند.

فصل سوم؛ امنیت اقتصادی

مؤلف پس از بیان اهمیت امنیت اقتصادی برای جامعه انسانی، آن را در ابعاد فردی، ملی و جهانی مورد دقت قرار داد. وی در ادامه، امنیت اقتصادی و تأمین نیازهای فردی و امنیت اقتصادی و تجارت را از اصول کلی امنیت اقتصادی در نهج البلاغه نام می‌برد. به همین مناسبت از دیدگاه امام علی علیه السلام به فضیلت تجارت و اقسام آنها و به صفات حسنه و ردیله تجار و بازرگانان می‌پردازد.

نویسنده سپس به تبیین اهمیت مالیات (منابع مالی) و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی جوامع می‌پردازد و منابع مالی دولت اسلامی (انفال، خمس، زکات، خراج و جزیه) را توضیح می‌دهد.

هم چنین به ضرورت مالیات از نظر امام علی علیه السلام اشاره می‌نماید که برنامه سامان‌دهی اقتصادی و رفاه عمومی بدون مالیات نتیجه بخش نمی‌باشد؛ یعنی بین مالیات و آبادانی جامعه رابطه معناداری وجود دارد. وی اشاره می‌کند که امام علی علیه السلام بر امنیت اقتصادی مالیات دهندگان تأکید می‌کرد؛ به نحوی که ظمی بر آنان نرود؛ مثلاً فرمان داد که در جمع آوری مالیات، احترام مردم را نگه داشته، به ادعای افراد در تعلق یا عدم تعلق مالیات توجه و از زور استفاده نکنند و جمع آوری مالیات را نوعی از عبادت معرفی کرده و از مالیات بگیران می‌خواست به مالیات دهندگان تخفیف داده شود تا اعتماد مردم نسبت به حکومت، اجرای عدالت و آبادانی کشور بیشتر جلب گردد.

مؤلف بعد از این بحث به بحث امنیت اقتصادی و قدرت سیاسی می‌پردازد. وی از دیدگاه امام علی علیه السلام بیان می‌کند که بین قدرت و ثروت، وابستگی وجود دارد و امتیاز خواهی اقتصادی اطرافیان حاکم موجب ناامنی اقتصادی در جامعه می‌شود. هم چنین امام علی علیه السلام حقوق کار و کارگران و رعایت حقوق محرومان را با امنیت اقتصادی مرتبط می‌داند. برای همین به دنبال عدالت و فقرزدایی بود و پاسداری از حقوق مستمندان و محرومان، تنظیم معاش فقرا از بیت‌المال، حراست از حقوق شهروندان، رسیدگی به وضع مستمندان و توجه بیشتر به یتیمان خردسال و سالخوردهگان را از وظایف زمام دار حکومت اسلامی می‌داند.

فصل چهارم؛ امنیت قضایی

نویسنده پس از بیان ضرورت برخورداری جامعه از امنیت قضایی، اظهار می‌کند که امام علی علیه السلام راه نجات اسلام را اصلاح دستگاه عدالت و بنیان‌گذاری سیستم دادرسی می‌داند و تضمین امنیت قضایی افراد در جامعه مستلزم رعایت سه اصل انتخاب قاضی، شرایط قاضی و وظایف دولت در برابر قاضی است؛ یعنی قاضی باید از نظر علم، اخلاق و تقوا از دیگران برتر باشد. قاضی باید دارای سعه صدر، عدم پافشاری بر اشتباه خود، تقوا، تلاش در رسیدن به حق، برخورداری از استدلال قوی، قاطع و



جدی در اجرای عدالت و شرایط دیگر باشد. دولت در برابر قاضی، اگر به وظایف خود (نظارت بر کار قضاوت، تأمین امکانات مورد نیاز زندگی قاضی و حفظ اعتبار و شخصیت قاضی) عمل نماید، امنیت قضایی بیشتری ایجاد خواهد شد.

فصل پنجم؛ امنیت مرزی

مؤلف در این فصل با استناد به کلام امام علی علیه السلام به ضرورت پاسداری از مرزهای کشور توسط دولت اشاره می‌کند و آن را برای حفظ امنیت کشور و مردم لازم می‌داند. در این راستا، وظایف متقابل زمامدار و مرزبانان را بیان می‌کند.

فصل ششم؛ صلح و امنیت جهانی

نویسنده با توضیح ضرورت برخورداری جامعه از صلح و امنیت جهانی و پرهیز از جنگ، منابع صلح‌گرایی و عوامل تهدیدکننده امنیت بین‌المللی را از نظر قرآن بر می‌شمارد؛ منابع صلح‌گرایی مثل مطلوبیت صلح و توبیخ مخالفان صلح و عوامل تهدیدکننده امنیت بین‌المللی تجاوز، ستم‌گری و ستم‌پذیری، تهدید و ارباب و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری.

مؤلف در پایان به صلح‌گرایی از دیدگاه امام علی علیه السلام اشاره می‌کند. امام علی علیه السلام معتقد است که صلح، جزئی از فلسفه تشریح اسلام است و اساساً اسلام دینی صلح‌جو است. البته ملاک صلح از نظر امام علی علیه السلام، رضایت الهی، مصالح امت و برقراری امنیت در جامعه است که باید با واقع بینی همراه باشد. وی نتیجه‌گیری می‌کند که صلح در روابط بین‌المللی یک اصل است.

ملاحظات

ملاحظات نسبی به کتاب سیمای امنیت در نهج‌البلاغه وجود دارد که در دو قسم نقاط قوت و ضعف ارائه می‌شود.

الف) نقاط قوت

۱. تناسب موضوع با نیازهای علمی - فکری جامعه اسلامی، روانی متن، کم بودن اغلاط تایپی و انسجام نسبی مباحث کتاب از محاسن اثر حاضر است؛
۲. از نقاط قوت کتاب، توضیح مختصر، مفید و مستندی است که مؤلف برای امنیت فردی ارائه کرده است؛
۳. هم چنین نویسنده تلاش ارزنده‌ای را در فصل دوم (امنیت سیاسی)، فصل سوم (امنیت اقتصادی)، فصل چهارم (امنیت قضایی) و فصل ششم (صلح و امنیت جهانی) از بخش دوم در ارائه مطالب به صورت کوتاه، گویا، منسجم، مستند و تحلیلی انجام داده است.

ب) نقاط ضعف

۱. در فصل اول (ارزش امنیت در اسلام) از بخش اول فقط از یک منبع (فقه سیاسی آقای عمید زنجانی) آن هم به صورت ذکر متن عبارات آن کتاب، استفاده شده است و مطالب این قسمت توصیفی است و تحلیلی در آن مشاهده نمی‌شود. ضمن آن که مطالب آورده شده از کتاب فقه سیاسی، وجه ارتباط وثیقی با نتیجه‌گیری و تعریف ارائه شده مؤلف از مفهوم امنیت ندارد. شایسته بود در تحقیقی که مفهوم امنیت از محوری‌ترین مفاهیم آن به حساب می‌آید پس از ملاحظه نظرات متخصصان و صاحب‌نظران، تعریف مناسبی از مفهوم امنیت ارائه می‌شد.

۲. هم‌چنین نویسنده در فصل دوم (جایگاه امنیت در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام) از بخش اول فقط از یک منبع (زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن از محمد مسجد جامعی) استفاده کرد، به گونه‌ای که مطالب آن تلخیصی از کتاب مذکور بوده و حالت توصیفی داشتن متن آشکار است و تحلیل مؤلف در دو صفحه آخر همین فصل، هیچ ارجاعی به نهج البلاغه ندارد، یعنی تیترا با محتوا هم پوشی ندارد؛ در حالی که اصل در فعالیت پژوهشی و تالیفات تحقیقی، مطابقت تیترا با محتوا و وجود منطق در فصل بندی است.

۳. مؤلف به جای بررسی مفهوم امنیت از دیدگاه محققان و امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، یک تعریف از امنیت در نیم صفحه از خودش بدون ارجاع به منبعی، ارائه کرده و بقیه فصل را به اهمیت امنیت اختصاص داده است که ارتباط وثیقی با اصل تیترا بحث ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد، کلیات بحث امنیت، ناقص و نارسا است و از دیدگاه امام علی علیه السلام نکته‌ای را به اثبات نمی‌رساند.

۴. مؤلف در فصل دوم (امنیت سیاسی) از بخش دوم پس از تعریف سیاست و دولت، نتیجه‌گیری نمی‌کند که این تعاریف چه رابطه‌ای با امنیت سیاسی دارند؟ و توضیح بحث مقبولیت و مشروعیت از دیدگاه امام علی علیه السلام چگونه با امنیت سیاسی ارتباط پیدا می‌کند؟ اگر راه رسیدن به قدرت در میزان امنیت سیاسی مؤثر است، شایسته بود که راه‌های دیگر نیز تبیین می‌شد.

۵. مؤلف معتقد است که بیعت گرفتن، همراه با آزادی و فرصت مطالعه، زمینه را برای امنیت سیاسی جامعه فراهم می‌کند. اما این که به جای پرداختن به اصل بحث به مباحث حاشیه‌ای مثل تعریف لغوی و اصطلاحی بیعت و سیر تاریخی اصل بیعت می‌پردازد، وجه روشنی به نظر نمی‌رسد.

۶. به نظر می‌رسد بیان اقسام تجارت و خصایص بازرگانان (در فصل سوم از بخش دوم)، ضرورتی برای اصل بحث نداشته باشد و موجب پراکندگی و کاهش انسجام مطالب شده است.

۷. نویسنده اگرچه با بیان کلام امام علی علیه السلام به اهمیت جایگاه امنیت مرزها (در فصل پنجم از بخش دوم) اشاره می‌کند، اما تحلیلی از گفته‌های آن حضرت و کیفیت ارتباط آن با موضوع تحقیق

ارائه نمی‌کند؛ معلوم نشده که چرا مؤلف وظایف متقابل زمام‌دار و مرزبانان را توضیح داده است؟

۸. مباحث فصل ششم از بخش دوم اگرچه از نظر قرآن بیان شد و با بحث امنیت ارتباط دارد، ولی از دیدگاه امام علی علیه السلام (در راستای موضوع تحقیق) نیست.

در مجموع با عنایت به کمبود منابع پژوهشی و ضرورت انجام تحقیقات و بهره‌گیری از متون اسلامی در مقوله امنیت، کتاب حاضر کوشش ارزشمندی است که به مجامع علمی و جامعه اسلامی عرضه شده است.

